

# درآمدی بر تربیت اجتماعی

«در سیره‌ی معصومین (ع)»

دکتر محمد منصورنژاد<sup>۱</sup>

## چکیده

با اینکه همه‌ی ما ناچار به حضور در جامعه هستیم و تعامل و ترابط با دیگران از جمله ضرورت‌های حیات ماست، متأسفانه برای شیوه‌ی حضور در جامعه و انجام تکالیف و اعاده‌ی حقوق تربیت نشده‌ایم و حتی در فرهنگ خودی نسبت به این مسئله یعنی تربیت اجتماعی منابع مفیدی وجود ندارند. نوشتار حاضر که تنها درآمدی بر موضوع است، تلاش دارد در کنار نگاه عقلی به آن با مراجعه به قرآن و سنت به موضوعات زیر بپردازد:

تعریف، مبانی عقلی و نقلی تربیت اجتماعی، تربیت سه بعد عقل، قلب و جسم در ابعاد اجتماعی و نهایتاً ارائه‌ی راهکارهایی جهت حصول و استیفای حقوق و ادای وظایف اجتماعی. در این مقاله گرچه فرصت ورود به مباحث محتوایی وجود ندارد، اما بر اساس مفروض بنا شده تبیین می‌کند که دین اسلام، اولاً برای تربیت اجتماعی مواد خام لازم را دارد؛ ثانیاً در صورت تحقق به کارگیری این فرامین، جامعه‌ی اسلامی به صورت سازنده تربیت خواهد شد و به توسعه و پیشرفت خواهد رسید. از جمله محاسن این مقاله آن است که علی‌رغم فقدان منابع مستقیم در بحث، منابعی را که غیر مستقیم می‌توانند دستمایه‌ی تأمل در موضوع باشند، به محققان معرفی خواهد نمود. مدعا آن است که قالب نوشتار حاضر در نوع خود بدیع و قابل بسط است.

کلید واژه‌ها: تربیت اجتماعی، سیره‌ی معصومین (ع)، ابعاد وجودی انسان، آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی راهکارهای تربیت اجتماعی.

۱. دکترای علوم سیاسی / مسئول گروه ادیان و مذاهب مؤسسه‌ی مطالعات علمی.



شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

### تعریف و ویژگی‌های تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی که مرکب از دو واژه‌ی تربیت و اجتماع می‌باشد، در لغت به معنای رشد و نمو دادن ابعاد اجتماعی است و چون در مورد انسان به کار می‌رود، مراد شکوفا کردن استعداد های مدنی و جمعی آدمیان است؛ اما در اصطلاح «مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه یا جنبه‌هایی از شخصیت آدمی است که مربوط به زندگی او در میان جامعه است تا از این طریق، به بهترین شکل، حقوق، وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به دیگر هم‌نوعان، هم‌کیشان و هم‌مسلمان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها قیام کند.»<sup>۱</sup>

در معرفی و تعریف موضوع تربیت اجتماعی، از طریق بیان ویژگی‌ها، بر چهار نکته‌ی زیر می‌توان تأکید کرد:

**الف)** اگر مجموعه‌ی ارتباطات انسان‌ها را بتوان در چهار دسته‌ی ارتباط با خود، با خدا، با طبیعت و با جامعه قالب‌بندی نمود، تربیت اجتماعی پروراندن ابعاد شخصیتی

---

۱. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی:

فرد برای ارتباط بهتر با جامعه است ولی ارتباط با جامعه و یا دیگران به عنوان ارتباط اجتماعی، حداقل دو تفسیر می‌تواند داشته باشد. در یک برداشت، «اجتماعی» به معنای جمعی و در مقابل صبغه‌ی فردی تعریف می‌گردد. در این معنا، تربیت اجتماعی شامل پرورش استعداد‌های آدمیان برای مجموعه رفتارهای غیرفردی می‌شود، اما تربیت «اجتماعی» در یک معنای دیگر در مقابل ارتباط سیاسی، تنها به ارتباط بین افراد، گروه‌ها، طبقات اجتماعی و مسائل و بحران‌های این حیطه‌ها مرتبط است و ارتباط بین اقشار و آحاد جامعه با یکدیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نوشتار حاضر مراد از تربیت اجتماعی، همین معنای دوم است.

ب) محور تربیت اجتماعی از سویی حق و از سوی دیگر تکلیف است. در تربیت اجتماعی به دنبال آن هستند که هم حقوق افراد و هم راه رسیدن به حقوق و گرفتن حق را در عمل به او بیاموزند. همچنین تکالیف، وظایف و مسئولیت‌هایی را که نسبت به دیگران بر عهده‌ی اوست، به او بشناسانند. در تربیت اجتماعی، هم این تکالیف معرفی می‌شوند و هم فرد برای رعایت آنها ساخته و پرداخته می‌شود.

ج) چنانکه از توضیحات قبل نیز قابل استنتاج است، تربیت اجتماعی دو سطح کار جدی را در خود مستتر دارد: اول، آموزش و آشنایی با حقوق و وظایف. گرچه در تربیت اجتماعی، آموختن شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست. با آموزش وظایف و حقوق صرف، نباید توقع داشت که یک فرد، عامل به آنها نیز باشد. این جاست که سطح دوم کار در تربیت به صورت عام و نیز در تربیت اجتماعی به صورت خاص موضوعیت می‌یابد و آن، نیاز به تکرار، تمرین، تلقین، الگوپذیری و... است؛ به عنوان مثال یک پدر باید پس از توجیه مطلب، چندبار جلوی فرزندش به مستمندان عملاً کمک نماید، در موارد دیگری پول و یا جنسی را از طریق فرزندش به نیازمندان برساند، تا روح و جان کودک، کم کم برای این وظیفه‌ی اجتماعی تربیت شود.<sup>۱</sup>

۱. از ویژگی‌ها و پیچیدگی‌های انسان‌ها این است که ممکن است حتی با آموزش و تمرین و تکرار و

د) اگر انسان‌ها نیاز به آموزش دارند، آموزش انسان از هر آموزش دیگری، پیچیده‌تر و دشوارتر است؛ زیرا آدمیان «تفاوت فردی» دارند و نمی‌توان نسخه‌ی واحدی را الزاماً برای دو نفر به صورت یکسان اعمال کرد. بنابراین تربیت اجتماعی، محفوف و قرین با تخصص و علم است و هر کسی نباید در این عرصه، ادعای میدان‌داری نماید.<sup>۱</sup> اگر کسی طبیب این حوزه نیست، چه بسا نسخه‌هایش درد آفرین و مشقت‌زا باشد و همان بهتر که به جای ورود به این بستر، کار را به متخصصان و افرادی ذی فنون واگذارد.

تا این‌جا از طریق چهار ویژگی با تربیت اجتماعی آشنا شدیم که عبارت‌اند از: پیوند یا ارتباط با دیگران، گشتن بر مدار حق، تکلیف، نیاز به آموزش و تمرین و تخصصی بودن تربیت اجتماعی.

### مبانی عقلی و نقلی بحث

مبحث تربیت اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی، حدّ اقل می‌تواند دو مبنای «عقلی» و «نقلی» داشته باشد. مبنای عقلانی که تکیه بر استدلال‌ات عقلانی و صبغه‌ی جهانی و بشری دارد و ادله‌ی نقلی مربوط به کسانی است که در گفتمان (Discourse) دینی و اسلامی زندگی می‌کنند.

«الفا و تلقین، باز از پذیرش موضوع مورد تربیت استنکاف کند و این‌جاست که بعضی‌ها معتقدند: «تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است.» با این مبنای، به سرّ عدم توفیق بسیاری از انبیا و امامان و اولیا در تربیت دیگران می‌توان پی برد. در حالی که مرتبی علی (ع) است، اما کلامش بر بسیاری نافذ نمی‌افتد.

۱. قابل توجه است که قبل از آغاز هرگونه فعالیت تربیتی، یک مرتبی در هر حوزه‌ی جامعه که می‌خواهد ایفای نقش نماید (مدرسه، خانه، اداره، کارخانه و...)، با توجه به تفاوت‌های فردی، بالضروره مخاطبان را باید شناخته و به سطوح مختلف دسته‌بندی نماید. همین هدف، نیاز به تست مخاطبان دارد که شرط آن، حدّ اقل مصاحبه و یا تهیه‌ی پرسش‌نامه‌های دقیق و حساب شده و توزیع بین افراد و سپس تحلیل محتوای داده‌ها و... است که چنین تلاشی به وسیله‌ی یک فرد غیر کارشناس، امکان‌پذیر نیست و اصلاً مرتبی غیرمتخصص، صلاحیت ورود به این حوزه‌ها را ندارد.

## الف) مبانی عقلی:


با مقدماتی می‌توان از جهت عقلی بر ضرورت و اهمیت تربیت اجتماعی استدلال نمود:

**نکته‌ی اول:** اگر تربیت اجتماعی، به بارنشانیدن و شکوفانمودن استعداد‌های اجتماعی و جمعی انسان‌ها است، این مدعا بر این مفروض متکی است که انسان استعداد زندگی اجتماعی را دارد و با تربیت می‌تواند اجتماعی شود.<sup>۱</sup> در این حوزه از قدیم بین اندیشمندان و فلاسفه‌ی اسلامی و غیراسلامی، این نکته پذیرفته شده بود که انسان «مدنی بالطبع» است، اما در بین متفکران اسلامی، کسانی در دهه‌های اخیر، انسان را «متوحش بالطبع» معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup> هر دو گروه، با همه‌ی اختلاف دیدگاه‌ها، معتقدند که انسان استعداد اجتماعی شدن را دارد، با این تفاوت که یکی آن را طبیعی و غریزی انسان می‌داند و دیگری آن را به فطرت انسانی و عقلانیت او باز می‌گرداند.

**نکته‌ی دوم:** با فرض پذیرش قابلیت آدمیان برای اجتماعی شدن، حداقل دو الگوی ایده‌آل تایپ (Ideal type) در زندگی اجتماعی متصور است که اگر بالطبع باشد، ظاهراً معنای بهتری دارد و دو شکل خاص از تربیت اجتماعی را نیز می‌طلبند: یکی اجتماعی شدن بر اساس تمثیل‌های افلاطونی<sup>۳</sup> و یا امثال فارابی که جامعه را ذی مراتب و سلسله

۱. در مثالی از حوزه‌ی حیوانی، مطلب فوق قابل فهم‌تر می‌شود؛ مثلاً در حالی که مورچه‌ها و زنبور عسل به صورت جمعی زندگی می‌کنند و حتی در زندگی زنبور عسل به صورت مشخص، سلسله وظایف تعریف شده و تقسیم کار وجود دارد (کار ملکه، زنبور کارگر و... با هم فرق دارد)، اما گنجشک‌ها یا مگس‌ها استعداد زندگی جمعی را ندارند. از این رو اگر موجودی استعداد کاری را ندارد، گاه انتقال آن توانایی به آن موجود غیر ممکن است؛ مثلاً اگر طوطی استعداد سخن گفتن دارد، با آموزش سخنگو می‌شود، اما بلبل به هیچ عنوان استعداد سخنگویی ندارد و تلاش در این میدان بی‌حاصل است.

۲. ریشه‌های این مدعا به مقاله‌ی ششم کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» از علامه سید محمد حسین طباطبایی باز می‌گردد و شرح و بسط این دیدگاه، توسط شاگردشان آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در بخش پایانی کتاب «شریعت در آینه‌ی معرفت» (مرکز نشر فرهنگی رجا: ۱۳۷۲)، آمده است.

۳. افلاطون تمثیل سلسله مراتبی‌اش را دروغ شاهانه‌ای می‌داند که شاید فرمانروایان مدینه‌ی فاضله 

مراتبی تفسیر می‌کنند و مفسران جدید این دیدگاه‌ها، نخبه‌گرایان هستند.<sup>۱</sup> دیگری اجتماعی شدن براساس برداشت‌های «برابری‌گرایانه» است، که با پذیرش تفاوت‌های فکری، جسمی و روحی افراد در تربیت آحاد جامعه، شأن یکسان و برابری برای آنها قائل شده و از حقوق و تکالیف یکسان انسان‌ها دفاع می‌کنند و این شیوه‌ی آموزش و تربیت و نگاه را عادلانه‌تر، منصفانه‌تر و عاقلانه‌تر ارزیابی می‌کنند.

**نکته‌ی سوم:** بر فرض که انسان‌ها استعداد اجتماعی شدن داشته باشند و با پذیرش این که انسان‌ها باید در مسائل بشری برابر فرض شوند و فرصت‌های برابر برای بهره‌بردن از امکانات آموزشی و تربیتی داشته باشند، پرسش اساسی آن است که آیا این خوب است که برای همه‌ی حوزه‌ها و ابعاد بشری، برنامه‌ی تربیتی ارائه شود؟ به عبارت دیگر، آیا پیش‌بینی آموزش‌ها و تربیت‌های رسمی، جدی و فراگیر و پیگیری برای اعمال آن، حُسن است یا عیب؟

در پاسخ منفی به این پرسش، حداقل از نظریه‌ی کسانی می‌توان یاد نمود که با تعلیم و تربیت رسمی در سطح آموزش و پرورش مخالف‌اند. مثلاً «ایوان ایلچ»، با کتاب «جامعه‌ی بی‌مدرسه» (۱۹۷۱)، معروف‌ترین هوادار مدرسه‌زدایی است. او ضمن انتقاد از نظام مدارس معاصر، معتقد است که نظام کنونی آموزش و پرورش، بهره‌وری ناچیزی

را نیز بفریبد. مهم‌ترین قسمت این دروغ، این حکم است که خدا آدمیان را سه گونه آفریده است: بهترین آدمیان از طلا، دیگر بهترین از نقره و توده‌ی مردم از مفروغ و آهن ساخته شده‌اند. آدم‌های طلایی برای سرپرستی خوب‌اند، آدم‌های نقره‌ی باید سرباز شوند و دیگران باید به کارهای دستی بپردازند.

راسل برتراند، تاریخ فلسفه‌ی غرب، ج. ۱، نشر کتاب پرواز، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰.

۱. در بحث نابرابری و برابری، مباحث خوبی چون آیا انسان‌ها ذاتاً نابرابرند. اگر برخی از انسان‌ها ذاتاً از دیگران برترند، چه کسی و با چه نشانه‌هایی می‌تواند آنان را بشناسد؟ اگر انسان‌ها ذاتاً برابرند، آیا تمام نابرابری‌های متداول، از قبیل ثروت و منزلت اجتماعی، ناعادلانه است؟ و...

تیندر گلن، تفکر سیاسی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴، صص ۶۵-۵۳.

دارد و صرف بودجه در آن، شکل بسیار غلطی دارد و یا آموزش و پرورش شکاف‌های اجتماعی را ژرف‌تر می‌کند و این که مدرسه این توهم را به وجود می‌آورد که یادگیری، تنها محصول تدریس است و موجب می‌شود ما از اهمیت یادگیری ضمنی، اتّفاقی و غیررسمی غافل بمانیم و باورمان شود که تنها راه یادگیری، آموزش یافتن است و حتّی معتقد است که رابطه‌ی بین مدرسه رفتن و اصلاح جامعه، رابطه‌ی بین اضداد است<sup>۱</sup> و با تعلیم و تربیت رسمی مخالف است.<sup>۲</sup>

**نکته‌ی چهارم:** گفته شد که تربیت اجتماعی، پرورش دادن استعداد‌های انسان‌ها، برای استیفای حقوق و ایفای وظایف اجتماعی است. بر هر دو بُعد می‌توان ادّله‌ی عقلی نیز اقامه نمود: در بعد حقّ، گفته و درست گفته‌اند که: «حقّ گرفتنی است، نه دادنی».

افراد با تربیت اجتماعی می‌آموزند که اولاً: در مقابل دیگران از حقوقی برخوردارند و ثانیاً: می‌آموزند و تمرین و تجربه می‌کنند که چگونه می‌توان در جهت استیفای حقوق

۱. برای مطالعه‌ی بیش‌تر دیدگاه ایلچ، مراجعه شود به:

ذکاوتی قراگزلو، علی، آموزش و پرورش - مبانی و نظریه‌ها، نشر احیای کتاب: ۱۳۷۱، صص ۹-۷۰.

او پس از درهم ریختن نهاد‌های در خدمت آموزش و پرورش اجباری، چهار نوع شبکه را پیشنهاد می‌کند: نخست، شبکه‌ی در دسترس قراردادن اشیایی است که منابع آموزشی به شمار می‌روند؛ شبکه‌ی دوم، مبادله‌ی مهارت‌ها است؛ شبکه‌ی سوم، شبکه‌ی پیوند همسالان است و آخری، شبکه‌ای که به عملکرد سه شبکه‌ی قبلی مدد رسانده و آنها را منسجم می‌کند.

همان منبع، ص ۷۹.

از دیگر افراد مدافع دیدگاه ایلچ، «اورت رایمر» در کتاب «مدرسه‌ی مرده» (School is dead) است.

۲. از بین مکاتب، اگزیستانسیالیست‌ها نیز منتقد مدارس سنتی‌اند. به نظر آنها، از آن جا که این مدارس، ماهیت را بر وجود و به بیان دیگر، مفاهیم و تئوری را بر تجربه مقدّم داشته‌اند، پویش آموزش و پرورش در آن‌ها به نظر دانش‌آموز، انتزاعی و غیر واقعی می‌نماید. در حالی که به نظر اگزیستانسیالیست‌ها، باید حقّ تقدّم با تجربه باشد و از نظر آن‌ها، فردیت ویژه‌ی هر کودک، باید هدف بیش‌ترین توجّه قرار گیرد و او همان خواهد شد که انتخاب کرده است. برای مطالعه‌ی بیش‌تر مراجعه شود به همان منبع، صص



اقدام نموده و از حقوق بالفعل خود دفاع نمایند.

در بعد ایفای تکالیف نیز تربیت اجتماعی را می‌توان به نحو زیر مدلل نمود. اگر سرنوشت افراد جامعه به هم گره خورده است، مشکلات و سختی‌های عده‌ای، بر سرنوشت دیگران تأثیر دارد.

اگر این نکته پذیرفتنی باشد که سلامت افراد و خانواده تاحد زیادی در گرو سلامت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیگران است و شکاف طبقاتی، انقطاع نسل‌ها و... برای جوامع خطر ساز است همین کافی است که امنیت اجتماعی به خطر بیفتد.


### ب) مبانی نقلی:

در بحث از تربیت اجتماعی از نگاه نقل، که مراد «کتاب و سنت» و یا «نصوص» است در صورتی می‌توان مباحثی را طرح نمود که:

**اولاً:** نصوص دینی به مسائل اجتماعی پرداخته باشند؛

**ثانیاً:** از روش‌های تربیتی نیز در این اهداف، بهره برده شده باشد. این که نصوص دینی به مسائل اجتماعی از قبیل: «تعاون»، «برادری»، «برخورد ملایم»، «وحدت» و... پرداخته است، جای شک نیست و در این زمینه، خصوصاً نکته‌ی قابل توجه آن است که بسیاری از صیغه‌های نصوص، به صورت «امر» و «انشایی» آمده‌اند که دلالت بر «وجوب» و یا حداقل «استحباب» موضوع از منظر دینی دارند.<sup>۱</sup> در رابطه با شیوه‌های

---

۱. در علم اصول می‌خوانیم که صیغه‌ی امر از نظر لغوی، دلالت بر وجوب دارد. شهید صدر در توضیح این مدعای اصولیین معتقد است که ما وقتی فعل امر را بررسی دقیق می‌کنیم، در می‌یابیم که فعل امر بر نسبتی میان ماده فعل و فاعل دلالت می‌کند. این نسبت میان ماده‌ی فعل و فاعل بدین گونه مورد نظر است که مراد، انجام گرفتن و تحقق یافتن آن نسبت است و شخص مکلف، به سوی ایجاد آن نسبت داده می‌شود. در علم اصول، آنچه را صیغه‌ی امر بر آن دلالت می‌کند، نسبت ارسالی می‌گویند. صیغه‌ی امر برای یک نسبت ارسالی وضع شده که ناسبی از میل و خواسته‌ی قطعی و الزامی باشد و به خاطر همین است که معنای الزام و وجوب، در ضمن صیغه‌ی امر وارد می‌شود، بدون این که فعل امر از نظر لغوی، 

تربیتی همچون بیان موضوع و طرح آموزش آن و ارائه‌ی راهکارهای عملی مثل توجه به الگوها، استفاده از تکرار و تلقین و... نیز در نصوص دینی آمده است که ذیلاً به بعضی از موارد اجتماعی و راهکارهای آن اشاره می‌شود:

۱. برادری:

«أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»؛ به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند. پس همیشه بین برادران خود صلح دهید.»

۲. وحدت:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.»

۳. عکس‌العمل نیکو:

«ادْفِعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ»؛ ای رسول ما تو آزار و بدی‌های امت را به آن چه نیکوتر است، دفع کن.»

۴. ولایت مؤمنان بر یکدیگر و وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ، بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ مردان و زنان مؤمن، همه یار و دوست‌دار یکدیگرند. خلق را به کار نیکو وادار می‌کنند و از کار زشت منع می‌کنند.»

﴿﴾ با وجوب مترادف باشد. اما استعمال صیغه‌ی امر در موارد وجوب، استعمال حقیقی است، ولی در موارد استحباب، استعمالی مجازی است و شباهتی که میان استحباب و وجوب است، به ما اجازه‌ی چنین استعمالی را می‌دهد.

صدر سید محمد باقر، علم الاصول، الحلقة الاولى، مجمع الفکر اسلامی: ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۴-۲۰۲.

۱. حجرات / ۱۰.

۲. آل عمران / ۱۰۳.

۳. مؤمنون / ۹۶.

۴. توبه / ۷۱.

۵. همکاری در نیکی‌ها و دوری از ستمکاری نسبت به هم:

«تعاونوا علی البرّ و التقوی و لاتعاونوا علی الائم و العدوان<sup>۱</sup>؛ و باید شما بسا یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید، نه برگناه و ستمکاری.»

۶. به هر خبری توجه نکنید:

«یا ایها الذین آمنوا ان جائکم فاسق بنأفتیبسوا<sup>۲</sup>؛ ای مؤمنان، هرگاه فاسقی خبری برای شما آورد، تحقیق کنید.»

۷. اهل شورا در امور و انفاق:

«وامرهم شوری بینهم و مامرزقناهم ینفقون<sup>۳</sup>؛ کارشان را با مشورت یکدیگر انجام دهند و از آن چه روزی آنها کردیم، به فقیران انفاق می‌کنند.»

۸. دوستی نکردن با دشمنان:

«یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمودة<sup>۴</sup>؛ ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید، نباید کافران را که دشمن من و شمایند، یاران خود گرفته و طرح دوستی با آنها افکنید.»

۹. وفای به عهد:

«و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلاً<sup>۵</sup>؛ و به پیمان خود وفا کنید، زیرا از پیمان پرسش خواهد شد.»

اگر کسی مدعی باشد که اسلام در مسائل اجتماعی سخنی ندارد و دینی است که تنها به رابطه‌ی خدا و خلق پرداخته است، بر اساس همین چند آیه‌ی مطرح شده، مدعایش به وضوح بی‌اساس و باطل می‌شود؛ زیرا اولاً: در قرآن مجید مباحث اجتماعی به صورت

۱. مائده / ۲.

۲. حجرات / ۶.

۳. شوری / ۳۸.

۴. ممتحنه / ۱.

۵. اسراء / ۳۴.

گسترده مطرح شده‌اند؛ ثانیاً: این آیات به حدّی در معنای خود از نظر لغوی و عرفی ظهور دارند، که نصّ محسوب می‌شدند؛<sup>۱</sup> ثالثاً: اگر در صدور و قطعی السّند بودن احادیث، جای چند و چون باشد، قرآن قطعی السّند است؛ رابعاً: قرآن مجید در نصوص، معیار اصلی است که روایات نیز با آن سنجیده می‌شوند؛ خامساً: عمده‌ی مباحث فوق (برادری، وحدت، پاسخ‌نیکو، تعاون همکاری و...)، به صورت امر وارد شده‌اند که در معنای حقیقی‌شان، معنای وجوب ورود در مسائل اجتماعی دارند و حدّ اقل برداشت و در معنای مجازی نیز، بر استحباب دخالت در مسائل اجتماعی دارند.

### تربیت اجتماعی و سه بعد وجودی انسان:

سابقاً اشاره شد که انسان‌ها را در یک تقسیم‌بندی، در سه بعد: «جسم، عقل و دل» می‌توان بازشناسی کرد. در این بخش از سخن، تلاش بر آن است که تربیت اجتماعی مربوط به هر یک از ابعاد یاد شده، مورد مذاقه قرار گیرد:

#### الف) طرح موضوع

انسان باتوجه به سه بعد یاد شده، حدّ اقل در دو سطح می‌تواند اندیشه و عمل کند: بعد شخصی، فردی و خصوصی و بعد جمعی و اجتماعی. در این بخش، حقوق و وظایف غیرسیاسی، اما اجتماعی جسم، عقل و دل بررسی می‌شود. در این که انسان از نظر جسمی نسبت به دیگران چه حقوق و تکالیفی دارد و در حوزه‌ی عقل، نسبت به دیگران چه مطالبات و وظایفی دارد و نیز در حوزه‌ی دل، نسبت به دیگران چگونه باید باشد؟ آیا حقوق و وظایف ابعاد سه‌گانه‌ی بشری، نسبت به دیگران همسان و مشابه است، یا قیود و حدود هر بعد با ابعاد دیگری تفاوت دارد؟ آیا اهداف تربیت اجتماعی در سه بعد وجودی، مشابه است یا غیرمشابه؟ آیا اصول مشترکی بر همه‌ی این ابعاد

۱. به دلیلی که فقط یک معنا داشته و در معنای خود صریح باشد از نظر اصولی «نصّ» گویند، ولی اگر لفظ دارای معنای متعدّد بوده و ارتباط تمام معانی، به موجب نظام کلی لغوی، با لفظ یک اندازه است، در این صورت دلیل را «مجمّل» گویند. برای مطالعه‌ی بیش‌تر مراجعه شود به:

حاکم است، یا هر بعد اصول خاص خود را دارد؟ آیا سن افراد در تربیت اجتماعی هر یک از سه بعد، دخالت دارد و باعث تغییر در روش، محتوا، اهداف و موضوعات تربیت اجتماعی می‌شود یا خیر؟ عوامل مؤثر بر این سه بعد وجودی انسان در تربیت اجتماعی کدام‌اند؟ و...

### ب) اصول مشترک در سه بعد:

در تربیت اجتماعی سه بعد وجودی انسان، می‌توان بین همه‌ی این ابعاد اصولی مشترک یافت. این اصول عبارت‌اند از:

#### اول: تدریجی بودن

در این که انسان بالفعل، آماده و مجهز برای زندگی اجتماعی به دنیا نیامده است، جای تردید نیست (خلاف حیواناتی که غریزه‌ی اجتماعی دارند، مثل زنبور عسل) و در این که انسان می‌تواند به سوی رفتارهای هنجار یا نابهنجار اجتماعی کشانده شود، نیز شکّی وجود ندارد و نیز سابقاً اشاره شد که انسان استعداد جمعی و اجتماعی شدن را نیز دارد. این جاست که باتوجه به حقوق و وظایف جسم، عقل و دل در ارتباط با دیگران، آموزش و تربیت ضروری است، اما این آموزش و تربیت با رعایت اصل تدریج، از سبک به سنگین‌تر، از ساده‌تر یا پیچیده‌تر، از محدودتر به وسیع‌تر و با رعایت توانایی‌های جسمی، عقلی و قلبی افراد و با درک صحیح از شرایط اجتماعی و خانوادگی آنها، مؤثر است و بلکه در مواردی، طرح وظایف فراوان، افراد را نسبت به ادای وظایف بدبین نموده و نقش رادع را عمل می‌کند. رعایت اصل تدریج، حتی در ترتیب نزول آیات آسمانی و نیز نصوص وارده از معصومین، کاملاً مورد توجه بوده است.<sup>۱</sup>

در بعد جسمی اگر از مصادیق تربیت اجتماعی، تلاش‌های ورزشی باشد در

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

منصور نژاد، محمد، جایگاه زمان و مکان در دین از نگاهی تازه، مجموعه مقالات دهمین کنگره‌ی بین‌المللی امام خمینی (ره) و احیای تفکر دینی، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره): خرداد ۱۳۷۷.

ورزش‌های جمعی، توفیقات به اندازه‌ی ورزش‌های فردی نیست و حدّ اقل نکته‌ای که از این خبر استنباط می‌شود، وجود مشکل در ابعاد اجتماعی و خلاء تربیت جمعی است. در این بخش، برای جبران، اولاً معاینه و مشاهده‌ی دقیق شرایط موجود و سپس ارزیابی و تحلیل از مشکلات ورزشی لازم است و سپس در تربیت نسل جدید، روش پیش‌گیرانه‌ی تدریجی و برای اصلاح نسل قبلی، روش اصلاحی تدریجی و گام به گام لازم است و جهت رفع مشکل تربیت اجتماعی در ابعاد فعالیت‌های جمعی ورزشی باید به صورت مشخص اقدام شود؛ مثلاً می‌تواند به این گونه باشد که افرادی که توانایی‌های ورزشی دارند، از کودکی شناسایی و آزمایش شوند و سپس تا حدّ امکان زیر نظر مربّی در اردوهای چند روزه‌ی جمعی و در اماکنی که گروه تمرین و نرمش و آموزش دارد، به شکوفایی استعدادها پردازند. واضح است که در حین آموزش و حتی قبل از آن، افراد باید از جهت نظری درباره‌ی اهمّیت تربیت جمعی و کار گروهی توجیه گردند و در این راستا، اصل تدریج حکم می‌کند که چه بسا در مراحل باید با فرهنگ حاکم که فرد سالارانه و تک محوری است، مبارزه شود و در مراحل بعد در فضایل و ارزشمند بودن کار جمعی استدلال نماییم در عمل نیز ابتدا افراد برای ارائه‌ی کار گروهی جهت تقویت، جوایزی دریافت کنند و در مراحل بعدی و نهایی‌تر، حتی کار فردی، مورد تنقیح قرار گرفته و عامل آن تنبیه گردد. (اخراج از تیم یا جلوگیری از بازی‌های حسّاس و...) در این جا رعایت اصول تدریج در جبران خلاء تربیت جمعی، در بعد جسمی که فعالیت‌های عقلی و قلبی از جمله مصادیق آن است هم می‌توان به صورت اثباتی و برای آموزش تربیت امر جدید، از اصل تدریجی و گام به گام بودن بهره برد و هم به صورت سلبی در زدودن صفت زشتی در حوزه‌ی عقل و یا دل بهره برد، که محصول آن تربیت و اصلاح عمیق‌تر و قوی‌تر موضوع مورد توجّه است.

### دوم: هدفمند بودن تربیت اجتماعی

در تربیت سه بعد وجودی انسان (جسم، عقل و دل) از جهت «علت غایی»، می‌توان حدّ اقل دو نکته را یادآور شد: یکی آن که در تربیت هر کدام از ابعاد، برای خود اهداف

جزئی‌تر و خاص‌تر داشته باشند (مثلاً در جسم به دنبال تواناتر و یا پر تحرک‌تر شدن باشند و در عقل به دنبال نقاد و خلاق شدن و در دل به دنبال جذب و انجذاب بیش‌تر در مقابل احباب باشد و...). دیگر آن‌که مجموعه‌ی اهداف سه‌گانه‌ی جسم، عقل و دل در راستای یک هدف کلی و فراگیر و عام تعریف شوند و به صورت اجزای یک مجموعه، یکدیگر را تکمیل نمایند.

اگر مجموعاً هدف از تربیت اجتماعی را «دفاع از خود و رعایت حقوق دیگران» بدانیم پس هدف از تربیت عقلانی از سویی باید شناخت خود، توانایی‌ها و استعداد‌های خود، گرایش‌ها و علایق و سلایق، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود باشد و نیز شناخت راهکارها و راه‌حلی‌هایی برای داشتن عقلی‌پویا و خلاق و منتقد از سوی دیگر و نیز شناخت حقوق و توانایی‌های دیگر افراد ذی‌حقوق نسبت به او (افراد خانواده، گروه، ملت، هم‌کیشان و...) و جهت‌گیری‌های عقلی او در راستای تحقق و اعاده‌ی آن حقوق باشد و حداقل باید عنایت داشته باشد که قلم، زبان و آفرینش‌های هنری و علمی او به تضییع حقوق دیگر ذی‌حقوقان منجر نگردد. این‌جاست که تربیت اجتماعی در بعد عقلانی مؤید اهداف کلی تربیت اجتماعی و در راستای تربیت دو بعد دیگر (جسم و قلب) خواهد بود.

### سوم: تربیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته مطالعات فرهنگی

مجموعه‌ی عوامل مؤثر بر تربیت اجتماعی در هر سه بعد، در دو دسته‌ی کلی انسانی و غیرانسانی قابل بحث‌اند. عوامل انسانی مؤثر بر تربیت اجتماعی در عناوین زیر قابل بحث‌اند: ۱) خانواده؛ ۲) جامعه‌ی مدنی؛ ۳) دولت. ۱ و اما عوامل غیرانسانی نیز به عنوان متغیر مستقل، بر تربیت اجتماعی تأثیر دارند. از جمله‌ی آن، عوامل طبیعی و جغرافیایی

---

۱. بحث تفصیلی عوامل سه‌گانه‌ی یاد شده‌ی فوق، در نوشتاری از نگارنده تحت عنوان: «تربیت سیاسی» آمده است. آن‌جا اشاره شده است که تقسیم‌بندی عوامل انسانی به سه دسته‌ی خانواده، جامعه‌ی مدنی و دولت از دستگاه فلسفی هگل به وام گرفته شده است. از این رو در متن، عوامل یاد شده مورد بحث قرار نگرفته‌اند، اما مراجعه به مکتوب یاد شده در جهت فهم بیش‌تر مطلب راهگشا است.

است. اگر در بعد قلبی تربیت اجتماعی، عطفوت به دیگران از مقاصد آن است، دو انسان از دو ناحیه‌ی جغرافیایی متفاوت (خوش آب و هوا و بد آب و هوا)، دارای قالب‌های خاص متأثر از محیط جغرافیایی خود هستند و لذا نسخه‌های واحد و یک شکل در این دو محیط، پاسخ درست نمی‌دهد. این نکته، مؤید آن است که تربیت اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، از عوامل حتی غیرانسانی نیز تأثیر می‌گیرد و نتیجه‌ی مهم دیگر نیز آن است که در تربیت اجتماعی ابعاد سه‌گانه‌ی انسان‌ها در جوامع و محیط‌های متفاوت بر نسخه‌ها و راهکارهای واحد نباید پای فشرد و در ارائه‌ی راه حل‌های تربیتی و آسیب‌شناسی مشکلات باید به مجموعه‌ی عوامل انسانی و غیرانسانی توجه داشت و این ویژگی نیز مشترک بین هر سه بعد وجودی انسان است.<sup>۱</sup>

#### چهارم: سنّ و تربیت اجتماعی

از جمله نکاتی که در تربیت اجتماعی هر سه بعد وجودی انسان باید مورد عنایت و توجه قرار گیرد، شرایط سنّی و شرایط هر مقطع سنّی است و حداقل این که فرد یا گروه مورد تربیت، به کدام گروه سنّی تعلق دارد. در صورت عدم توجه به این نکته مثلاً، در تربیت اجتماعی یک نوجوان، از آن جا که هر سه بعد وجودی او در حال تحوّل و تغییر است، این بحران‌ها<sup>۲</sup> طبیعی است و مشکل برنامه‌ریزی گروهی برای نوجوانان آن است

۱. تأثیر عوامل طبیعی و جغرافیایی بر شرایط روح و جسم آدمیان، بحث پرسابقه و جدّی در بین اندیشمندان است. (ابن خلدون در مقدمه‌ی، منتسکیو در روح القوانین و...)

۲. بحث نظریه‌ی بحران، به صورت کلی در دو سطح جمعی (که خود شامل بحران اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تمدّنی، اقتصادی) و فردی (در سه بعد: جسم، عقل و دل) قابل طرح است. از بین این بحران‌ها، آن مورد که قطعی و قهری و به صورت مشهود همه‌ی افراد انسان‌ها را آن مواجه‌اند، بحران در جسم در هنگام بلوغ است. اما مراد از بحران فکری و یا قلبی، کار امثال امام محمد غزالی است که آنها را به فراری بزرگ می‌کشاند و یک‌دهه از موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فاصله می‌اندازد.

در بحران‌های جمعی هم گفته شده که از فرق‌های میان شرقی و غرب آن است که شرقیان چون ﴿﴾



که دورن بلوغ کاملاً همسان و هم‌سالی را سپری نمی‌کنند. حاصل آن که از نکاتی که در هر سه بعد وجودی مشترکاً قابل توجه است، توجه به شرایط سنّی مخاطب و متربّی است که هر مقطع، نکات و مسائل خاص خود را دارد و در هر مقطع نیز افراد مختلف، شرایط همسانی ندارند. توجه به سنّ در امر تربیت اجتماعی، از اصول و نکات اساسی این میدان است و بی‌توجهی به این نکته‌ی اساسی، آفات سنگین در امر تربیت را در پی دارد.

### ج) نکات خاص ابعاد انسان

در عین حال، سه بعد وجودی انسان، یعنی جسم، عقل و دل، هریک ویژگی‌ها و خصوصیات و نیازهای خاص خود را دارند که در امر تربیت اجتماعی، باید مورد توجه قرار گیرند.

#### اول: نکاتی در تربیت اجتماعی جسم

در این قسمت، تنها به بعضی از نکات خاص جسم در تربیت اجتماعی<sup>۱</sup> می‌پردازیم:

۱. بعضی از مسائل تربیت مربوط به جسم، گرچه شخصی و خصوصی به نظر

---

دریافت خردمندان‌ای از سرشت جامعه‌ی انسانی ندارند، آشکار شدن هر بحرانی را هم چون آسیب اجتماعی تلقی می‌کنند و حال آن که در غرب حتی در قدیم، از بحث‌های اساسی یونان، اندیشه درباره‌ی بحران و انحطاط شهرهای یونانی بوده است. برای مطالعه‌ی بیش‌تر مراجعه شود به:

طباطبایی سید جواد، زوال اندیشه‌ی سیاسی، انتشارات کویر: ۱۳۷۳، صص ۲۷۸-۹.

۱. نکته‌ی قابل تذکر آن است که تقسیم وجودی انسان به سه بعد: جسم، عقل و دل، تقسیمی حقیقی نیست، بلکه افتراقی اعتباری بین سه بعد وجودی فرض می‌شود. تا بتوان مطالعه‌ی وسیع‌تری از آدمی در همه‌ی ابعاد ارائه نمود. از این رو در این جا که بحث از نکات تربیت اجتماعی مختصّ جسم است، اولاً: مراد آن نیست که این نکات به هیچ عنوان به عقل و دل مربوط نیست. بلکه خواه ناخواه بین ابعاد سه‌گانه‌ی بشری ارتباط برقرار است و در یکدیگر مؤثرند؛ ثانیاً: اگر نکته‌ای غالباً مربوط به یک بعد است، مربوط به آن حوزه تلقی می‌گردد (از باب تغلیب)، در عین این که در ابعاد دیگر نیز تأثیرات جانبی و دیگری دارد.

می‌رسند، اما چون کارکردها و نتایجی مربوط به اجتماع دارند، باید در تربیت اجتماعی مورد توجه و آموزش باشند؛ مثلاً مسواک زدن امری شخصی است و در تربیت خصوصی افراد مورد توجه و عنایت است و کودک را باید از سنین پایین به مسواک زدن هدایت کرد، اما در این جا نکته‌ی قابل توجه آن است که مثلاً بوی بد دهان، ممکن است افراد دیگر را نیز از خانواده، تا محیط کار، تا محیط معاشرت بیازارد. از این جهت، چون این موضوع به حقوق دیگران آسیب می‌زند، افراد موظف‌اند بهداشت دهان و دندان را رعایت نموده و در تربیت اجتماعی برای آموزش و درونی کردن این گونه اقدامات، تمهیدی اندیشند.

۲. نیازهای مربوط به جسم، گرچه بعضی می‌توانند شخصی فرض شوند؛ مثلاً فرد هر ساعت که خواست، در جای مناسبی فارغ از دیگران، به استراحت پردازد و یا هر زمان احساس گرسنگی کرد، به هر نوع غذایی که تشخیص می‌دهد، اکل جوع نماید، اما بعضی از نیازهای جسمی، فقط صبغه‌ی اجتماعی دارند و از این جهت باید در تربیت اجتماعی، مورد عنایت ویژه قرار گیرند. از بین این گونه خواسته‌ها، رفع نیاز جنسی از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است. این جاست که آموزش و تربیت جنسی از حوزه‌های مهم تربیت اجتماعی است و از نگاه دینی و غیردینی بدان پرداخته شده است؛ مثلاً در تربیت جنسی از نگاه دینی، باید به خوابگاه کودکان توجه نمود. در حدیثی نبوی آمده:

«الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ يَفْرَقُ بَيْنَهُم فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سَنِينَ<sup>۱</sup>؛ در ده سالگی دو پسر بچه و دو دختر بچه و پسر و دختر، باید جدای از هم بوده و در یک بستر ن خوابند.»  
و یا امام باقر (ع) فرمود:

«يَفْرَقُ بَيْنَ الْغُلَّامَانِ وَالنِّسَاءِ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سَنِينَ<sup>۲</sup>؛ وقتی پسر بچه ده ساله شد،

۱. دشتی، محمد، مسئولیت تربیت، دفتر انتشارات اسلامی: ۱۳۶۴، ص ۱۱۷ (به نقل از: وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸).

۲. همان منبع، ص ۱۱۸ (به نقل از: مکارم الاخلاق، ص ۱۱۵).

نیاید در بستر مادرش بخوابد.»

۳. در تربیت اجتماعی حوزه‌ی جسم، از جمله مسائل قابل توجه و مسئله‌ساز آن است که افراد با جسم قوی‌تر، در روابط اجتماعی در شرایطی به افراد با جسم ضعیف‌تر ظلم می‌نمایند. ریشه‌ی بعضی شرارت‌ها و گردن کلفتی‌ها و مشکلاتی اجتماعی از این قبیل، به فقدان تربیت اجتماعی افراد در به‌کارگیری قدرت جسمی است. در ابعاد کلان‌تر، این خشونت‌ها ممکن است در قالب تسویه حساب‌های باندهای مخرب اجتماعی خود را نشان دهد و در قالب کوچک‌تر و در محیط خانواده، به صورت اعمال خشونت مرد علیه زن (چون مرد از نظر جسمی مجموعاً از زن قوی‌تر است).

این جاست که در تربیت اجتماعی جسم، باید قدرتمندان و ضعیفان هر کدام تربیت اجتماعی مناسب ببینند و آموزش‌های لازم را بگذرانند. در خانواده، مدارس، محیط کار و... بیاموزند و مورد تذکر و تلقین قرار گیرند که حقوق آنها چیست و وظایف آنها در مقابل دیگران کدام است، تا پیش‌گیری‌های لازم برای جلوگیری از هرگونه خشونت‌های اجتماعی متأثر از قدرت فیزیکی و جسمی به عمل آید و یا حداقل حوادث ناگوار و برخوردهای نامناسب در این میدان، کاهش یابد.

۴. در آسیب‌شناسی تربیت اجتماعی در بعد جسمی، چه در سطح پیش‌گیری و چه در سطح درمان، از جمله راهکارها می‌تواند «کار درمانی»، «هنر درمانی» و «بازی درمانی»<sup>۱</sup> باشد. به عنوان شاهد، وقتی دانش‌آموزان در ایام سال، پس از گذراندن نه ماه تحصیلی، سه ماه هیچ کاری برای او در ایام کودکی و نوجوانی که اوج انرژی است، تعریف نمی‌شود، چگونه توقع می‌رود که در این فرصت‌های فراوان، به کج راه نیفتد و آلوده نشود؟، اما اگر از سوی آموزش و پرورش، برای دانش‌آموزان حداقل کار غیرحضور، اما اجباری تعریف شود، برای هر روز و هفته‌ی او تکلیف تعریف شود و

۱. هرکدام از مباحث فوق، فصلی از کتاب ارزشمند روان‌شناسی تربیتی، اثر دکتر مرتضی منطقی را به خود اختصاص داده است و برای مطالعه به صص ۵۱۲-۴۱۱ منبع یاد شده مراجعه شود.

متناسب با رشته‌ی تحصیلی، کار عملی و مطالعات نظری خواسته شود و نمره منظور گردد، در ابعاد مختلف این تلاش سازنده است.

از محاسن اعمال این گونه کارها که جسم بچه‌ها را مشغول می‌کند، تقویت قوای فکری و روحی است و ذهن بچه‌ها آمادگی لازم و مناسب را برای ادامه‌ی تحصیل به دست می‌آورد. در کنار پیشنهادهای فوق که بیش‌تر صبغه‌ی علمی دارند، فعالیت‌های جسمی جدی‌تر نیز می‌تواند به آنها اضافه شود.

### دوم: نکاتی در تربیت اجتماعی عقل

در بحث مربوط به حوزه‌ی عقل و تربیت اجتماعی، نکات چندی قابل تأکیدند:

۱. می‌توان با «هابرماس» هم‌آوا بود که ذهن، شناسنده و واجد مقولات پیشینی - ذهنی اجتماعی است. شناخت و تفهّم، بر حسب این مقولات به صورت اجتماعی تنظیم می‌گردد و در هر لحظه تحت تأثیر تجربه‌ی تاریخی قرار دارد. بنابراین شناخت، در مجموع به واسطه‌ی تجربه‌ی اجتماعی حاصل می‌شود. فرآیندهای شناخت مبتنی بر الگوهای کلام و روابط تفاهمی و ارتباط ذهنی روازنه‌ی آدمیان هستند.
- هابرس «عرصه‌ی عمومی»<sup>۱</sup> را به عنوان حوزه‌ی پیدایش اخلاق عقلی توصیف کرده

۱. «عرصه‌ی عمومی» حوزه‌ای واقع در میان جامعه‌ی مدنی و دولت است و فضای طرح آزاد مسائل عمومی و استدلال و تعقل درباره‌ی آنها و نهایتاً تکوین اراده‌ی عمومی را تشکیل می‌دهد. مؤسسات خصوصی جامعه‌ی مدنی، جزء عرصه‌ی عمومی هستند. به طور کلی عرصه یا عرصه‌های عمومی در فضایی تشکیل می‌شود که در آن تعقل و گفتگو درباره‌ی مسائل عمومی صورت می‌گیرد. گسترش عرصه‌ی عمومی در واقع تابع پیدایش امکان گفتگو و تعقل آزاد است. عرصه‌ی عمومی در مقابل عرصه‌های تاریک قدرت و منافع خصوصی عرصه‌ی روشنی است. عرصه‌ی عمومی در مقابل عرصه‌ی آمریت، عرصه‌ی فکر، گفتگو، استدلال و زبان است. عرصه‌ی عمومی به معنی درست، عرصه‌ای است که هیچ حدّ و حدودی بر فعالیت آن وضع نشده است. و عرصه‌ی عقلانی، حقیقت‌یاب و حقیقت‌ساز جامعه است. برای مطالعه‌ی بیش‌تر در موضوع مراجعه شود به :

است و از نگاه او وضعیت کلامی ایده‌آل تنها در عرصه‌ی عمومی می‌تواند پیدا شود.<sup>۱</sup> پس عقل به صورت منفرد و تک ذهنی و در خلاء رشد نمی‌کند، رشد عقل مشروط و منوط به حضور در اجتماع و نیز فضای باز و آزاد است که بتواند ابراز وجود کند. پس عقل که استعداد خدادادی به انسان‌هاست، تربیت درست آن متوقف بر وجود افراد دیگر از سویی و بستر مناسب برای دادوستد فکری و کلامی از سوی دیگر است. پس عقل را برای اجتماع و اجتماعی شدن باید آموزش داد و تربیت کرد.

۲. از ویژگی‌های حوزه‌ی عقل آدمی برای شکوفاشدن، آن است که برخلاف دو بعد دیگر انسان (جسم و دل) که در برقراری با دیگران مقید به قیود، حدود و شرایطی است، برای رشد، پرورش و تربیت، هیچ محدودیتی را نمی‌شناسد، هر جا که غذایی برای این بُعد انسان آماده است، او می‌تواند بدان‌جا پانهد و حاضر شده و عقلش را بارورتر نماید. اگر از غذاهای مناسب و مهمّ عقل، علم است، حتی در نگاه دینی که نسبت به نگرش‌های غیردینی، قیودات بیش‌تری وجود دارد، علم‌آموزی محدودیت مکانی «اطلبوا العلم و لو بالصین؛ علم را حتی در چین طلب کنید»، زمانی «اطلبوا العلم من المهدالی اللحد؛ زگهواره تا گور دانش بجوی»، جنسی «طلب العلم فریضة علم کل مسلم؛ علم خواهی بر هر فرد مسلمانی واجب است» و استادی «خذوا الحکمة ولو من اهل النفاق؛ حکمت را گرچه از منافق باشد، بگیرید» ندارد.<sup>۲</sup>

از این رو، اگر اولاً: عقل در اجتماع است که بارور می‌شود و ثانیاً: در پرورشش مقید به حدودی نیست، باید «آزادی تعقل و اندیشه» به عنوان یک اصل پذیرفته شده، مبنای تربیت اجتماعی باشد و البته آزادی تعقل و اندیشه با «آزادی عقیده»، «آزادی مطرح کردن احساسات»، «آزادی عمل» و... متفاوت است. به بهانه‌ی آزادی اندیشه نمی‌توان به

۱. همان منبع / ص ۵۷ و ۱۱۳.

۲. برای مطالعه‌ی بیش‌تر در این زمینه مراجعه شود به:

مطهری، مرتضی، ده گفتار، مقاله‌ی فریضه‌ی علم، دفتر انتشارات اسلامی: ۱۳۶۳.

تخریب دیگران پرداخت. این جاست که ضمن احترام به دیگران، هم اندیشه‌ی خود را مطرح می‌کنیم و هم در صورت ضعیف و مخدوش بودن اندیشه‌ی دیگری، آنها را نقد می‌کنیم.<sup>۱</sup>

از نتایج بحث حاضر آن است که اولاً: به جای اصالت تقلید، اصالت تعبد و اصالت تحجر، به سوی اصالت اندیشه و اصالت آزادی اندیشه و تعقل سیر کنیم؛ ثانیاً: به تبع مطلب فوق، در تربیت اجتماعی، عقل باید در مقابل اندیشه‌ی دیگران به صورت فعالانه و منتقدانه برخورد نموده و به جای تسلیم در مقابل این و آن به گونه‌ای آحاد انسانی تربیت شوند که دارای «ذهن نقاد»، «خلاق» و «پویا» باشند و هر مطلبی را بدون دلیل نپذیرند؛<sup>۲</sup> ثانیاً: واضح است که چنین شیوه‌ی تربیتی، بستر مناسب، جامعه‌ی سالم و آزاد، حکومت مشوق تفکر و اندیشه، مربی توانا و مخاطب شناسی و... لازم دارد؛ رابعاً: از دلایلی که در ابعاد عقلانی، استعدادها می‌سوزند و خلاقیت‌ها می‌خشکند، فقدان بستر مناسب است که در بین آنها فضای آموزشی و خصوصاً شیوه‌ی آموزش افراد در برخورد با استاد و معلم، نقش تعیین کننده دارد. اگر کودکی از ابتدای یادگیری و آموزش به او یاد دهند و او را تربیت کنند که مثل ضبط صوتی، مطالب کلاس و معلم را فراگیرد،

۱. در بحث نقد مراجعه شود به: منصورنژاد، محمد، پیش درآمد بر چیستی نقد، انتشارات جوال پویا؛

۲. دکتر شریعتمداری عوامل زیر را سبب بازداشتن افراد از تفکر خلاق بر می‌شمارد: ترس و اضطراب، کار سخت و اجباری، مسئولیت‌های اداری، اشتغال به کار و تحقیق در وقت معین و ثابت، رغبت شدید به کاری که با مسئله‌ی مورد بحث، هیچ نوع ارتباطی نداشته باشد، ترس از ادامه یافتن کار و تحقیق و یا احتمال متوقف شدن آن و تضادهایی که منشاء پیدایش مشکلات عاطفی می‌شود. وی عوامل زیر را بر تفکر خلاق مؤثر می‌داند: فراگرفتن مهارت‌های عقلانی و کسب معلومات، محرک‌های حسی یا پاره‌ای از سرگرمی‌ها، طرز تفکر انتقادی، ابتکار، رهایی از جمود روانی، ایده‌آل‌ها و آرزوها، قدرت تخیل، مساعد بودن عامل فرهنگی و اجتماعی.

نه تنها به خلاقیت، تعقل و اندیشه‌ی او خدمتی نمی‌شود، بلکه چه‌بسا استعدادهای عقلانی او در محیط آموزشی می‌سوزد. بد نیست اشاره شود که از آفات این میدان، بالابردن بیش از حدّ مقام معلّم و پایین آوردن بیش از حدّ لازم شأن متعلّم است، که سبب خمودی و اضمحلال اندیشه می‌گردد.<sup>۱</sup>

۳. از ممیزات انسان‌ها نسبت به حیوانات، عقل بر شمرده شده است. اما این دلیل نمی‌شود که همه‌ی انسان‌ها به صورت بالفعل، از قوه‌ی عاقله‌ی نیرومندی برخوردار بوده و این استعداد در وجودشان را شکوفا نمایند. بلکه همه‌ی انسان‌ها بالقوه، استعداد عقلانی شدن و عقلانی اندیشیدن و عقلانی عمل کردن را دارند. این جاست که تربیت، جایگاه خود را باز می‌یابد. برای این که انسان‌ها این بعد وجودی‌شان بارور شود، نقش تربیت و مربّی تعیین کننده است. اگر عقل را در یک تقسیم‌بندی به «عقل معاد» و «عقل معاش»<sup>۲</sup> تقسیم کنیم، در عقل معاد، توجّه به خدا و آخرت و معنویت، وجهه‌ی نظر اصلی

---

۱. نگارنده در مقاله‌ی زیر، از جمله به بحث آداب معلّم و متعلّم از نگاه غزّالی، این اندیشمند اسلامی - ایرانی پرداخته و در کنار محاسن دیدگاهش، از آن رو که او نگاهی اقتدارگرایانه از معلّم به دانش‌آموز دارد، تفکرش را به نقد کشانده است. آن جا که حتی طرح سخن و سؤال را به اجازه‌ی استاد منوط می‌کند! «لایتکلم ما لم یسأله استاذ و لایسأل ما لم یسأذن اولاً».

(غزّالی، محمّد، مجموعه رسایل - بدایه الهدایه، دار الکتب العلمیه (بیروت): ۱۴۱۴ هـ، ص ۷۹.

برای مطالعه‌ی تفصیل بحث مراجعه شود به:

منصور نژاد، محمّد، آسیب‌شناسی تربیت دینی از نگاه امام محمّد غزّالی، همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، دفتر مساجد (ستاد اعتلا و هماهنگی دروس دینی و قرآن و عربی، وزارت آموزش و پرورش با همکاری جهاد دانشگاهی): ۱۳۸۰.

۲. تا آن جا که نگارنده می‌داند، اولین اندیشمند اسلامی که به صورت مشخص از «عقل معاش» سخن به میان آورده است، «عبدالکریم بن ابراهیم گیلانی»، معروف به «الجلیلی» (۸۳۲-۷۶۷ هـ) است که از سه نوع عقل اوّل (کانون صورت علم الهی در عالم وجود، عقل کلی (مدرك روشنگری است) و عقل معاش (نوری که با قوانین فکر، معین و محدود می‌گردد)، تقسیم کرده و حوزه‌ی عقل معاش را تنها طبیعت

است و هدف تفکر، توجه به این ابعاد و مسائل است. (آیات سُور روم / ۸، واقعه / ۵۹، قصص / ۶۰، ملک / ۱۰، فاطر / ۸، بقره / ۱۷۰ و زمر / ۸-۱۷، از جمله آیاتی هستند که دعوت به تعقل و تفکر با اهداف معنوی نموده‌اند).

اما بعد دیگر عقل<sup>۱</sup>، که متأسفانه از سوی مسلمانان جدی گرفته نشده و به همین جهت، به صورت خام و اولیّه باقی مانده است، عقل معاش است و ریشه‌های عقب‌ماندگی جهان اسلام را در همین جا باید جست. در تربیت اجتماعی عقل، حتماً باید به موضوعات و حیطه‌های عقل معاش توجه داشت و مترّیان را در این ابعاد، بیدار و هدایت نمود. به عنوان شاهد، از جمله فعالیت‌های اجتماعی که سبب پختگی عقل آدمی است، مسافرت است. در صورت تربیت عقل معاش که نظر به طبیعت دارد و با یک تأمل عقلانی، باید بر روی وسایل سفر اندیشید، برنامه‌ی سفر ریخت، نحوه‌ی آداب و معاشرت حین راه و در مقصد را آشنا بود، برای حدّاکثر بهره‌برداری از ایّام مسافرت برنامه داشت، معاشران سفر را با دقّت برگزید، از طبیعت و نعمات سفر بهره برد و... و این همه بدون تربیت اجتماعی عقل معاش، امکان ندارد؛ زیرا در صورت فقدان تربیت این بعد، یا از اهمّیت سفر غفلت می‌کنیم، یا در انتخاب مکان سفر خطا می‌کنیم، یا وسیله‌ی لازم را نمی‌گیریم یا با برخوردهای نسنجیده، دیگران را می‌آزاریم یا طبیعت را آلوده می‌کنیم و...  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴. از نکاتی که در تربیت اجتماعی عقل، بسیار مؤثر است، آموزش و پرورش افراد برای مسطالعات و تحقیقات گروهی و جمعی است. در تمام محیط‌های تربیتی، سیاست‌گذاران و طراحان استراتژی آموزشی، باید به صورت غیر مستقیم، خصوصاً

می‌داند. برای مطالعه‌ی بیش‌تر مراجعه شود به:

شریف میان، محمّد، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۲، مرکز نشر دانشگاهی: ۱۳۶۵، ص ۳۸۰.  
 ۱. در این زمینه مراجعه شود به: منصورنژاد، محمد، عقل در سه دین بزرگ آسمانی؛ زرتشت، مسیحیت و اسلام، ناشر مؤلف ۱۳۸۲.



نسل نوجوان و جوان را به کارهای گروهی فکری، ترغیب و تشویق کنند. با در نظر گرفتن تشویق و جوایز و با اعمال تبلیغ و توجیه به افراد بیاموزند که عقل آنها در کنار یکدیگر صیقل بخورد و حتی در یک برنامه‌ریزی حساب شده در سطح یک کشور می‌توان با وجود ابزار ارتباطی مدرن، بین محققان دو استان، پیوند مستقیم و غیرمستقیم برقرار نموده و استعداد‌های نزدیک به هم را با هم رشد داد؛ زیرا که کار جمعی هم افراد را پخته‌تر می‌کند و هم برای جامعه آثار و نتایج سریع‌الوصول‌تر و مطلوب‌تری دارد.

### سوم: نکاتی در تربیت اجتماعی دل

از آن جا که قلب، حوزه‌ی حب و بغض‌ها، دوستی‌ها و دشمنی‌ها و تعامل دورنی بین افراد است، نکات مربوط به این حوزه نیز عبارت‌اند از:

۱. از منظر روان‌شناختی، از نیازهای اساسی، نیازهای تعلق و محبت است. «ابراهام مزلو» در این زمینه می‌نویسد:

«اگر نیازهای جسمانی و نیازهای ایمنی، هر دو نسبتاً خوب ارضا شوند، آن‌گاه نیازهای عشق و محبت و تعلق، پا به عرصه‌ی ظهور می‌نهند... حال شخص به طوری که هرگز پیش از آن سابقه نداشت، نبود دوستان یا یک محبوب یا همسر یا فرزندان را به شدت احساس می‌کند. او نیازمند روابط عاطفی با دیگران است یا به عبارتی، نیازمند جایگاهی در گروه خود یا فامیل خود می‌گردد و به شدت می‌کوشد تا به این هدف دست یابد. او بیش از هر چیز دیگری در دنیا می‌خواهد به چنین جایگاهی برسد... ما گرایش عمیقی نسبت به دسته شدن، جمع شدن، پیوستن و وابسته بودن داریم... در موارد سخت‌تر «دردشناسی» و «ناسازگاری» در جامعه‌ی ما هسته‌ی مشترکی وجود دارد که همانا عقیم ماندن این نیازها است... نظریه‌پردازان دردشناسی روانی، جملگی برآنند که عقیم ماندن نیازهای عشق و محبت، ریشه‌ی ناسازگاری است.»<sup>۱</sup>

۱. مزلو، ابراهام، روان‌شناسی عشق و ورزیدن، ترجمه‌ی شیوا رویگران (بی‌نا و بی‌تا)، صص ۳-۱۵۰.

او تحت عنوان تئوری انگیزش انسان، از چند نیاز اساسی آدمی به تفصیل سخن به میان آورده است. ﷻ

هم او نیاز اساسی دیگر بشری که نیازهای قلبی ارزیابی می‌شود را «نیاز به احترام» یاد نموده و می‌نویسد:

«افراد در جامعه، میل یا نیازی به عزت نفس یا احترام به خود، یا احترام دیگران دارند. آنان نیازمند آن‌اند که خویشان را ارزشمند ببینند و این ارزشمندی بر پایه‌ی محکم و استواری بنا شده باشد... هنگامی که نیاز احترام به خود ارضا می‌شود، شخص احساس اعتماد به نفس، ارزشمندی، توانایی، قابلیت و کفایت می‌کند و وجود خود را در دنیا، مفید و لازم می‌یابد. اما عقیم ماندن این نیازها، موجب احساس حقارت، ضعف و نومیدی می‌گردد.»<sup>۱</sup>

۲. استاد مطهری ریشه‌ی جذب و دفع آدمیان را نیاز و رفع نیاز برشمرده است. او جذب و دفع را دو رکن اساسی زندگی بشری دانسته و انسان‌ها را برحسب اختلاف در جذب و دفع، به چهار گروه تقسیم می‌کند: اول: افرادی که نه جاذبه دارند و نه دافعه، نه کسی آن‌ها را دوست و نه کسی دشمن دارد؛ دوم: مردمی که جاذبه دارند اما دافعه ندارند، با همه می‌جوشند و گرم می‌گیرند؛ سوم: آنها که دافعه دارند اما جاذبه ندارند و چهارم: مردمی که هم جاذبه دارند و هم دافعه. انسان‌های بامسلک، که در راه عقیده و مسلک خود فعالیت می‌کنند و این گروه چهارم نیز بر چند گونه‌اند؛ زیرا گاهی جاذبه و دافعه، هر دو قوی است و گاهی هر دو ضعیف و گاهی با تفاوت. از طرفی باید دید چه عناصری را جذب و چه عناصری را دفع می‌کنند؛ مثلاً گاهی عنصر دانا را جذب و عناصر پلید و خبیث را دفع می‌کند و گاهی برعکس است. لهذا دوستان و دشمنان

---

این نیازها عبارت‌اند از: نیازهای جسمانی، ایمنی، تعلق و محبت، نیاز به احترام، نیاز به تحقق خود، نیاز به دانستن و فهمیدن و نیازهای جمال‌شناختی.

همان منبع، صص ۶۶-۱۳۵.

و نیز همین بحث با حذف نیاز آخر، در:

سیاسی، علی اکبر، نظریه‌های شخصیت، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۷۱، صص ۲۴۴.

۱. روان‌شناسی عشق ورزیدن، صص ۵-۱۵۴.

هرکس، دلیل قاطعی بر ماهیت او هستند.<sup>۱</sup> از این نگاه خوب علی(ع) از جمله آدمیانی بود که جزء گروه چهارم بوده و دارای جذب و دفع قوی بود و صالحین را جذب، مفسدین را دفع می‌کرد.

۳. اگر در تربیت اجتماعی، شکوفایی و رشد و پرورش استعداد‌های بشری غایت اصلی است. از جمله‌ی آنها استعداد‌های عاطفی است که در قالب گریه، خنده، ترس، خشم، حسادت، محبت و شادمانی خود را نشان می‌دهند. گرچه غالب این عواطف در مقابل دیگران و حوادث به صورت غیرارادی ظاهر می‌گردند، اما هنر آدمی آن است که تا حد بالایی، باتوجه و آگاهی و آموزش و تربیت، این عواطف و احساسات را کنترل کرده و یا جهت بدهد. نیز عوامل بیرونی بر این که انسان‌ها، خصوصاً کودکان مثلاً در چه زمانی و مکانی بترسند، مؤثرند. چنان که به درستی گفته شده است:

«جوّ عاطفی خانواده و مدرسه، در ایجاد ترس یا از بین بردن آن، تأثیر فراوان دارد. منظور از جوّ عاطفی، رابطه‌ی میان افراد است. اگر روابط افراد خانواده یا رابطه‌ی میان شاگردان و معلم، موافق با اصول دموکراسی بوده و عقل و منطق حاکم بر روابط افراد باشد، بچه‌ها کم‌تر دچار ترس می‌شوند، اما در وضعی که معلم یا پدر، به صورت دیکتاتور، کلاس یا امور خانه را اداره می‌کنند... در این وضع، عوامل و موجبات ترس فراوان می‌شود و بچه‌ها عمر خد را با ناراحتی و اضطراب به سر می‌برند.»<sup>۲</sup>

۴. در بین روش‌های تربیت، بعضی از روش‌ها برای تربیت اجتماعی حوزة دل، کاربرد جدی دارند. از جمله‌ی این روش‌ها عبارت‌اند از: روش تشویق و تنبیه، روش انذار و تبشیر، روش موعظه و نصیحت، روش بهره‌برداری از قصه و داستان و تشبیه و تمثیل<sup>۳</sup> و به بیان رساتر، به کارگیری لسان هنر<sup>۴</sup> در درونی کردن پیام‌های اجتماعی.

۱. تفصیل بحث در:

مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه‌ی علی(ع)، دفتر انتشارات اسلامی (بی‌تا)، صص ۲۰-۷.

۲. شریعتمداری، علی، روان‌شناسی تربیتی، ص ۱۰۱.

در همین منبع، درباره‌ی جلوه‌های عاطفی آدمیان، مفصلاً بحث شده است.

۳. روش‌های یاد شده، عمدتاً از سوی مصلحان و نخبگان دینی در تربیت دینی، به کار گرفته شده‌اند.

## راهکارهایی در تربیت اجتماعی

قبل از طرح هرگونه راهکار (تاکتیک) در تربیت اجتماعی، به نظر می‌رسد که وجود «راهبردی» (استراتژی) اساسی در جامعه نسبت به موضوع، ضرورت دارد. و در تعیین استراتژی تربیتی یک جامعه و نظام، وجود استراتژیست‌هایی ضروری است که همه‌ی نهادها، مراکز، مؤسسات فرهنگی و تربیتی (مثل خانواده، مدرسه، مساجد، صدا و سیما، حوزه‌های علمیه و...)، چهار چوبه و کلیات کاری خود را از آن‌جا گرفته و در یک تقسیم کار دقیق، هریک در تحقق و عینی کردن آن اهداف و رسالت‌ها بکوشند و گرنه راهکارهای پراکنده و موردی و بدون برنامه‌ی کلان، راه به جایی نمی‌برد و چه بسا به جهت تعدد الگوهای تربیتی، جامعه و خصوصاً نسل جوان را دچار سرگردانی و سردرگمی نمایند. پس پیش شرط هرگونه راهکار تربیتی، وجود راهبرد تربیتی در جامعه است و با این فرض، اکنون به بعضی از راهکارها ذیلاً اشاره می‌گردد.

اگر محور تربیت اجتماعی، حقوق و تکالیف افراد است، راهکارها نیز بر همین دو مدار می‌گردند:

### اول: راهکارهای اعاده‌ی حقوق اجتماعی:

در رابطه با تربیت شدن برای اعاده‌ی حقوق، روش‌های زیر می‌توانند مفید و

شده‌اند. برای ملاحظه‌ی کاربرد این روش‌ها در اسلام، مراجعه شود به:

درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، صص ۷۷-۱۳۷.

۴. در اهمیت نقش هنر در پیام‌رسانی به درستی گفته شده:

«بارها گفته‌ام که هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدن و هر فرهنگی، تا در قالب هنر ریخته نشود، شانس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست... هنر یک شیوه‌ی بیان است، یک شیوه‌ی ادا کردن است، منتها این شیوه‌ی بیان، از هر تبیین دیگر رساتر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است.»

خامنه‌ای، سید علی، هنر از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دفتر نشر فرهنگ اسلامی (چاپ چهارم): ۱۳۷۳، ص ۹.

مؤثر باشند:

۱. تأسیس و تکثیر نهادها و تشکّل‌های مدنی و اجتماعی: بهترین مراکز آموزشی و پرورشی جهت تمرین حقوق اجتماعی، تشکّل‌هایی هستند که با استفاده از متخصصان به صورت برنامه‌ریزی شده، افراد را نسبت به حقوق خود آشنا و راه‌های حصول به آنها را نیز می‌آموزانند. این نهادها باید به قدری فراوان باشند که افراد به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند (در استراتژی تربیتی، چگونگی تکثیر و توزیع نهادهای اجتماعی، از اهمّ موضوعات مورد بحث باید باشد).

۲. تهیّی متون و جزوات مناسب، که به صورت مختصر و مفید، افراد را با حقوق و شیوه‌ی دسترسی به آنها آشنا نمایند.

۳. برگزاری مسابقات و رقابت‌ها در موضوعاتی که افراد را به تأمل و اندیشه و تکرار و تمرین در رابطه با حقوق اجتماعی (و نیز وظایف جمعی) می‌کشاند؛ مثلاً در بین تشکّل‌های مدارس، بر روی این که چگونه شورای دانش‌آموزی موفق‌تر و بیش‌تر می‌تواند در تدبیر مدرسه تأثیر بگذارد، مسابقه برگزار شود.

۴. تهیّی لوح‌های فشرده، فیلم‌ها، رمان‌ها، اشعار و... در رابطه با حقوق (و نیز تکالیف) اجتماعی، به صورت مجموعه‌ای و به مناسبت‌های مختلف به افراد مستعد به عنوان هدیه داده شود. در این زمینه دست‌اندرکاران امر تربیت نباید به وضع موجود قناعت نمایند بلکه باید فیلم‌نامه‌های قوی، رمان‌های حساب شده و... در راستای راهبرد تربیت اجتماعی را برنامه‌ریزی و اجرا نمایند و سپس این محصولات کارشناسی شده را به آحاد جامعه برسانند (در قسمت قبلی به اهمّیت کاربرد هنر در بیان مطلب و درونی کردن آن اشاره شد).

۵. در مدارس، ادارات و در هر جا که امکان دارد، برای کار جمعی، تحقیق گروهی و پروژه‌ی مشارکتی، امتیاز ویژه و جوایز مخصوص پیشنهاد گردد تا افراد در هر فرصتی به سوی کارهای شراکتی تشویق شده و آن را تمرین و تجربه نمایند. شکل گرفتن روحیه‌ی جمعی در اعاده‌ی حقوق، بسیار مؤثر است (البته توجه فواید کار جمعی قبل از هر اقدامی لازم و ضروری است).

۶. آموزش اجباری برای خانواده‌ها حین تشکیل خانواده و در ادامه، خصوصاً وقتی که

صاحب فرزند شدند. محتوای این آموزش‌ها، نکات اجتماعی مهم مربوط به خود آنها و فرزندان‌شان باشد (در استراتژی تربیتی، متن آموزشی و نکات ضروری خانواده‌ها تعریف می‌شود. مسائلی مثل: مراودات خانوادگی، همسایگی و اجتماعی، تعلیم فرهنگ مهمانی و مهمان‌داری و آداب سفره، آموزش آداب اجتماعی در معاشرت‌های عمومی، تنبّه و هشدار نسبت به وفاداری به عهد و...)<sup>۱</sup>

۷. ارائه‌ی الگو در زمینه‌های مختلف (مثلاً در خصوص نوع پوشاک و آرایش جوانان در محیط خانواده و اجتماع، آگاه ساختن جوانان از آداب معاشرت و آیین دوست‌یابی با معرفی دوستی‌های موفق به عنوان الگو و...).

۸. تشکیل اردوهای تربیتی به کمک نهادهای فرهنگی، برای تقویت انس و الفت جوانان با یکدیگر، به عنوان مقدمه‌ای برای پی‌گیری اهداف اساسی‌تر در تربیت اجتماعی و اعاده‌ی حقوق.

۹. افراد باید آموزش دیده و توجیه شوند که فقدان امکانات و ضعف قدرت آنان را دیرتر به حقوقشان می‌رساند و مطالباتشان نادیده گرفته می‌شود. لذا کودکان باید مثلاً در زمینه‌ی آموزش دفاع شخصی برای جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و آموزش برای جلوگیری از آسیب‌های بیگانگان در برنامه‌های خود داشته و جسم و روحشان برای دفاع در همه ابعاد تربیت شود.

### دوم: راهکارهای انجام تکالیف اجتماعی:

اما راهکارهایی که در تکالیف اجتماعی مؤثر عبارت‌اند از:

۱. آشنایی با طرق امدادهای اجتماعی، به عنوان وظیفه‌ی اجتماعی که ضمن آموزش، قرین با تمرین و کار عملی باشد؛ مثلاً تمرین امداد برای زلزله، مانور امداد برای کمک به سیل‌زدگان، مانور کاشت و برداشت محصول (خصوصاً در شرایط ویژه)،

۱. در تهیه‌ی محتوای آموزشی و تربیت اجتماعی، از منبع زیر می‌توان کمک گرفت:

دبیرخانه‌ی شورای عالی جوانان، جوانان و تجربه‌ی زندگی در اوقات فراغت، انتشارات دبیرخانه‌ی شورای عالی جوانان: ۱۳۷۶، در ۸۳ صفحه.

ضمناً در راهبردهای این بخش، از منبع یاد شده استفاده شده است.

- جمع‌آوری اعانات برای طبقات ضعیف و... .
۲. تأسیس گروه‌های مردمی برای تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه، صندوق‌های کمک به خانواده‌های ضعیف و جوانان کم درآمد برای ازدواج و... .
۳. همکاری همه، خصوصاً جوانان با شورای محل در رفع کدورت‌ها و خصومت‌های موجود بین ساکنان محله.
۴. تشکیل انجمن‌های همسایگی و شهروندی برای اصلاح، هدایت و تنظیم فرهنگ عمومی محله.
۵. انتخاب نمایندگانی در سطح محلات، برای حفظ بهداشت محیط و تأمین سلامت روانی اهالی محله.
۶. تشکیل اردوهای دوستی، برای تقویت روابط حسنه و مناسبات انسانی کارمند و کارگران.
۷. همکاری مادی و معنوی با خانواده‌ها در برگزاری مراسم عزا و عروسی و ابستگان و نزدیکان آنها.
۸. آموزش غیرمستقیم آداب مهمانی و مهمان‌داری از طریق نمایش‌های مستند و آموزنده.
۹. عادت دادن کودکان، نوجوانان و جوانان به همکاری و همیاری در جریان فعالیت‌های روز مره‌ی زندگی و امور خانواده (مثلاً با تهیه‌ی لوحی و وظایف تهیه‌ی امکانات غذایی و یا درست کردن غذا و یا شستن ظروف بین افراد خانواده تقسیم شود).
۱۰. شور و مشورت مدیران با نیروها در اداره‌ی امور (در خانواده، والدین با فرزندان، در ادارات، رؤسا با کارمندان و...).
۱۱. تأسیس کارگاه‌های خانگی، برای فعالیت‌های ابتکاری و تلاش‌های سازنده‌ی کودکان، نوجوانان و جوانان در ساعات فراغت. این اقدام، آنها را برای فعالیت‌های وسیع‌تر و جدی‌تر در سطح اجتماع، تربیت نموده و می‌سازد.
۱۲. تمرین روحیه‌ی قانون‌پذیری و احترام به نظم و مقررات رسمی و سنت‌های اجتماعی، در سطح خانواده و مدارس (مثلاً از برنامه‌های موظفی مدارس، آشنایی

دانش‌آموزان با نحوه‌ی عبور از خیابان، استفاده از پل هوایی و... باشد).  
۱۳. تشویق نوجوانان و جوانان به ایجاد تعاونی‌های ویژه در مراکز آموزشی و محله و اداره‌ی امور تعاونی‌ها به وسیله‌ی خود آنها.  
امید است با به‌کارگیری رهنمودهای ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) شاهد رشد و ارتقای تربیت در جامعه اسلامی باشیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## فهرست منابع

۱. بشیریه، حسین، *دولت عقل*، صص ۷-۵۶.
۲. تیندرگلن، *تفکر سیاسی*، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی: ۱۳۷۴، صص ۵۳-۶۵.
۳. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی: ۱۳۷۷، ص ۱۱۵.
۴. خامنه‌ای، سید علی، *هنراز دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی (چاپ چهارم): ۱۳۷۳، ص ۹.
۵. دبیرخانه‌ی شورای عالی جوانان، *جوانان و تجربه‌ی زندگی در اوقات فراغت*، انتشارات دبیرخانه‌ی شورای عالی جوانان: ۱۳۷۶، در ۸۳ صفحه.
۶. دشتی، محمد، *مسئولیت تربیت*، دفتر انتشارات اسلامی: ۱۳۶۴، ص ۱۱۷ (به نقل از: وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸).
۷. ذکاوتی قراگزلو، علی، *آموزش و پرورش - مبانی و نظریه‌ها*، نشر احیای کتاب: ۱۳۷۱، صص ۹-۷۰.
۸. راسل برتراند، *تاریخ فلسفه‌ی غرب*، ج ۱. نشر کتاب پرواز: ۱۳۷۳، ص ۱۸۰.
۹. سیاسی، علی اکبر، *نظریه‌های شخصیت*، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۷۱، صص ۲۴۴.
۱۰. شریعتمداری، علی، *روان‌شناسی تربیتی*، انتشارات امیرکبیر (چاپ دوم): ۱۳۶۶، صص ۶-۴۱۵.
۱۱. شریف میان، محمد، *تاریخ فلسفه در اسلام*، ج ۲، مرکز نشر دانشگاهی: ۱۳۶۵، صص ۳۸۰.
۱۲. صدر، سید محمد باقر، *علم الاصول، الحلقة الاولى*، مجمع الفکر اسلامی: ۱۴۱۲ هـ.ق، صص ۴-۲۰۲.
۱۳. طباطبایی، سید جواد، *زوال اندیشه‌ی سیاسی*، انتشارات کویر: ۱۳۷۳، صص ۹-۲۷۸.
۱۴. غزالی، محمد، *مجموعه رسایل - بدایه الهدایه*، دارالکتب العلمیه (بیروت):

۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۷۹.

۱۵. مزلو ابراهام، *روان‌شناسی عشق ورزیدن*، ترجمه‌ی شیوا رویگران (بی‌نا و بی‌تا)، صص ۳-۱۵۰.
۱۶. مطهری، مرتضی، *جاذبه و دافعه‌ی علی (ع)*، دفتر انتشارات اسلامی (بی‌تا)، صص ۷-۲۰.
۱۷. مطهری، مرتضی، ده‌گفتار، مقاله‌ی فسررضه‌ی علم، دفتر انتشارات اسلامی: ۱۳۶۳.
۱۸. منصور نژاد، محمد، *جایگاه زمان و مکان در دین از نگاهی تازه*، مجموعه مقالات دوّمین کنگره‌ی بین‌المللی امام خمینی و احیای تفکر دینی، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی: خرداد ۱۳۷۷.
۱۹. منصورنژاد، محمد، *عقل در سه دین بزرگ آسمانی؛ زرتشت، مسیحیت و اسلام*، ناشر مؤلف ۱۳۸۲.
۲۰. منصور نژاد، محمد، *آسیب‌شناسی تربیت دینی از نگاه امام محمد غزالی*، همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، دفتر مساجد (ستاد اعتلا و هماهنگی درس دینی و قرآن و عربی، وزارت آموزش و پرورش با همکاری جهاد دانشگاهی): ۱۳۸۰.
۲۱. منصورنژاد، محمد، *پیش‌درآمد بر چیستی نقد*، انتشارات جوال پویا؛ ۱۳۸۴.
۲۲. منطقی، مرتضی، *روان‌شناسی تربیتی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلّم*، ص ۱۸۳.